

## اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر رشد اقتصادی استان‌های منطقه غرب کشور

آزاد خانزادی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی  
Azadkhanzadi@gmail.com

شبنم صادقی نسب

دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه رازی  
sh.sadeghi.nasab@gmail.com

### چکیده:

یکی از اهداف آرمانی هر جامعه‌ای تأمین رفاه لازم برای تک تک افراد است. در حقیقت ساده‌ترین مفهوم رشد اقتصادی یک کشور عبارت است از افزایش تولید ملی واقعی سرانه آن کشور در یک دوره بلندمدت. هدف اساسی این مطالعه بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش داده‌های تابلویی چهار استان منطقه غرب کشور، شامل استان - های کرمانشاه، کردستان، همدان و ایلام، طی دوره ۹۳-۱۳۸۸، است. برای این منظور، ابتدا داده‌های مربوط به متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای ضریب جینی بعنوان شاخص توزیع درآمد، درآمد مالیاتی و تورم به عنوان متغیرهای توضیحی در مدل جمع‌آوری و سازماندهی شده و سپس، الگو با استفاده از مدل پانل FMOLS برآورد گردیده است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل تأیید گردیده و همچنین یافته‌های مدل حاکی از آن است که متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه با متغیرهای ضریب جینی و نرخ تورم رابطه منفی و معنادار و با متغیر درآمد مالیاتی رابطه مثبت و معنادار دارد.

**واژگان کلیدی:** ضریب جینی، رشد اقتصادی منطقه‌ای، درآمد مالیاتی، تورم

## The effect of Macroeconomic indicators on Economic growth provinces of west region of the country

### Abstract

One of the ideal goals of any society is welfare for individuals. In fact, the simplest concept of a country's economic growth is to increase the real national per capita product of the country in a long period. The basic aim of this study is to evaluate the effect of macroeconomic indicators on economic growth using panel data for four provinces of west region of the country, including the provinces of Kermanshah, Kordestan, Hamedan, Ilam, during 1393-1388. For of this purpose, the data of per capita Gross Domestic Product as independent variables and variables Gini coefficient as an indicator of income distribution, income tax and inflation as explanatory variables are collected and organized in the model and then, model by model FMOLS panel has been estimated. Based on the results of this study, long-term relationship between the variables was approved, and also the results of the model indicate that the variable GDP per capita with variables Gini coefficient and inflation rate has a significant negative relationship and has a significant and positive relationship with tax revenue.

**Keywords:** Gini coefficient, regional economic growth, tax revenue, inflation

## مقدمه

این روزها محرومیت و توسعه نیافتگی استان‌های منطقه غرب کشور، به یکی از دغدغه‌های اصلی این استان‌ها تبدیل شده است. چراکه استان‌های مرزی غرب و جنوب غربی، بخاطر شرایط خاص در جنگ از قافله رشد عقب ماندند و همین امر قاعدتاً موجب عقب افتادن کشور از رسیدن به اهداف چشم‌اندازهای توسعه گردید. صدمات وارد شده به این استان‌ها در دوران جنگ، عدم توجه کافی در جهت کاهش فاصله ایجاد شده در دوران جنگ بین این استان‌ها با سایر استان‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری و عدم توجه کافی به ویژگی‌های بومی و پتانسیل‌های فراوان این منطقه، این استان‌ها را از نظر رشد و توسعه در موقعیتی فروتر و در قطب دافع سرمایه قرار داده؛ به گونه‌ای که سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی آن‌ها به محض رسیدن به موقعیتی مناسب، جز در مواردی نادر از آن‌ها خارج می‌گردند؛ از سوی دیگر برخی اقدامات ارزیابی نشده در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته، نه تنها موجبات بهبود وضعیت این استان‌ها را فراهم نکرده بلکه بر شدت عمق بحران‌های آن‌ها افزوده است. مجموعه این عوامل در کنار یکدیگر وضعیت رشد و توسعه اقتصادی نامناسب کنونی را در این استان‌ها پدید آورده است.

استان‌های منطقه غرب کشور با وجود بهره‌مندی از منابع گوناگون طبیعی، تاریخی و فرهنگی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و زیست محیطی با چالش‌ها و مسائل گوناگونی مواجه هستند؛ که برخی از آن‌ها به مرحله بحرانی رسیده و در صورت ادامه وضعیت کنونی می‌تواند موجب افزایش ناپایداری در استان‌ها شده و لطمات جبران‌ناپذیری را بر این استان‌ها و بر کشور وارد نماید. در یک نگاه کلی می‌توان به این نکته دست یافت که استان‌های مورد بررسی تاکنون حتی در چارچوب ابتدایی‌ترین اهداف رشد و توسعه نیز عقب مانده‌اند. بنابراین با توجه به وضعیت رشد و توسعه اقتصادی در این استان‌ها، بررسی عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است.

مرور ادبیات مربوط به رشد اقتصادی حاکی از آن است که عوامل متعددی بر رشد اقتصادی موثر است که مهم‌ترین آن‌ها سرمایه، نیروی کار و پیشرفت تکنولوژیکی و غیره می‌باشند؛ از سوی دیگر تورم نیز یکی از مشکلات اساسی اقتصادی در ایران است که عمدتاً اثرات نامطلوبی بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی استان‌های آن بر جای گذارده است، به همین دلیل در مطالعه رشد اقتصادی منطقه مورد بررسی؛ اثرات تورم بر رشد به عنوان یکی از عواملی که رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند زوایای خاصی از رابطه بین این دو پدیده را روشن سازد.

هم‌چنین رابطه میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد، مورد توجه نهادهای سیاست‌گذاری قرار دارد، چرا که برای سیاست‌گذار همیشه این دغدغه وجود دارد که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی باید سطحی از نابرابری درآمد را پذیرفت یا برای بهبود در توزیع درآمد، باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ بنابراین، تبیین نظری ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد می‌تواند پاسخگوی یکی از پرسش‌های اساسی و بنیادین برنامه‌ریزان اقتصادی، به ویژه در مناطق محروم و توسعه نیافته باشد؛ چراکه مناطق مذکور، همواره از سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکاف‌های درآمدی در رنج بوده‌اند. شاید بتوان گفت، ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد، وقتی همراه با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، به بزرگ‌ترین هدف و دشوارترین وظیفه‌ی سیاست‌گذاران اقتصادی تبدیل می‌شود.

از طرفی درآمدهای مالیاتی، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت به شمار رفته و به عنوان یک ابزار موثر جهت سیاست‌گذاری‌های مالی محسوب می‌شود. دولت‌ها با استفاده از این ابزار، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌های مختلف خود را به دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منبع در اختیار را بر اساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند. همین‌طور برنامه‌ریزان اقتصادی بر مبنای درآمدهای قابل کسب - از طریق به کارگیری این ابزار- می‌توانند ارزیابی موثری نسبت به سطح قابل تصور منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در آینده به عمل آورند. بنابراین در یک نگاه کلی می‌توان گفت که، وجود سیستم مالیاتی پیشرفته در هر منطقه حکایت از سلامت اقتصادی آن منطقه را دارد.

از آن‌جا که اغلب تحقیقات انجام شده در زمینه رشد اقتصادی در سطح کشور انجام گرفته است. و با توجه به این‌که تاکنون تحقیق جامعی در زمینه رشد اقتصادی در منطقه غرب صورت نگرفته و این ادعا وجود دارد که سطح رشد اقتصادی و رفاه در این منطقه پایین است، برآنیم تا به بررسی عوامل موثر بر رشد اقتصادی در منطقه بپردازیم.



بنابراین، چارچوب این مطالعه بر این اساس است که اثر شاخص‌های کلان را بر رشد اقتصادی منطقه طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۸ و در قالب مدل حداقل مربعات معمولی تعدیل شده کامل (FMOLS) بررسی نماید. در ادامه، در بخش دوم به مرور مباحث نظری و تجربی پرداخته و در بخش سوم آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه غرب کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش چهارم پیشینه پژوهش ارائه خواهد گردید و در بخش پنجم به برآورد و تخمین مدل و یافته‌های پژوهش پرداخته خواهد شد. و در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه خواهد گردید.

## مبانی نظری

### اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی

تحول نظریه‌های مربوط به بررسی ارتباط بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی را می‌توان به لحاظ تاریخی به سه دوره زیر تقسیم کرد:

الف) دوره رهیافت‌های کلاسیک

ب) دوره رهیافت‌های جدید

ج) ابتدای قرن بیست و یکم

کار نطفه‌زای کوزنتس و کالدور که به طور همزمان و مستقل از هم صورت گرفته است، از اولین نظریه‌های اقتصادی مربوط به بررسی ارتباط بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی محسوب می‌شود و به عنوان رهیافت‌های کلاسیک شناخته شده است. طبق دیدگاه کوزنتس، نابرابری در توزیع درآمد طی اولین مراحل رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، سپس همتراز شده و سرانجام کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، رابطه بین نابرابری درآمد با درآمد سرانه در طول زمان به شکل U واژگون است. دو عامل در افزایش نابرابری تا سطح معینی از توسعه اقتصادی موثر می‌باشد: یکی تمرکز پس‌انداز در دست بالاترین گروه‌های درآمدی و دیگری ساختار اشتغال به صورت فرایند صنعتی شدن و شهرنشینی (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶). اما کالدور معتقد بود که هرگاه درآمد به صورت ناعادلانه‌تر و نابرابرتر توزیع شود، به دلیل زیاده‌تر بودن میل نهایی به پس‌انداز توانگران نسبت به فقیران، پس‌انداز کل جامعه و بنابراین، انباشت سرمایه افزایش یافته و در نهایت، باعث رشد اقتصادی خواهد شد.

افرادی مانند بن حبیب و رستی چینی، کیفر و کنک اعتقاد دارند که افزایش نابرابری درآمدی باعث تشویق فعالیت رانت جویی شده و در نتیجه، حقوق مالکیت را مخدوش و رشد اقتصادی را کاهش خواهد داد. آلسینا و پروتی معتقدند که افزایش نابرابری درآمدی باعث ایجاد و افزایش تنش‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی و بنابراین، افزایش ناطمینانی می‌شود؛ در این صورت، سرمایه‌گذاری کمتر شده و رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. هم‌چنین پروتی نیز معتقد است که کاهش نابرابری درآمدی، سهم درآمدی طبقه متوسط جامعه را افزایش و باروری و رشد جمعیت را کاهش و در نتیجه، باعث افزایش رشد اقتصادی خواهد شد (صمدی و آماره، ۱۳۸۹).

### اثر تورم بر رشد اقتصادی

وجود ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف همواره یکی از موضوعات مورد بحث در بین اقتصاددانان بوده است و مباحث تئوریک و تجربی متفاوتی در این زمینه ارائه شده است. بررسی بسیاری از این مباحث نشان می‌دهد که نمی‌توان به یک نتیجه قطعی در مورد تأثیر تورم بر رشد اقتصادی دست یافت و این مسأله در مورد هر کشور به شرایط و ویژگی‌های آن کشور بستگی دارد (صامتی و همکاران، ۱۳۸۷).

فیشر نشان می‌دهد که تورم بسیار بالا با رشد مستمر سازگار نیست، در عین حال تورم پایین هم برای دستیابی به نرخ رشد بالا ضروری نیست؛ به طوری که برخی از کشورها با تورم مداوم بین ۳۰-۱۵ درصد (اغلب به همراه شاخص بندی‌های وسیع)، موفق شده‌اند به رشد مستمر نایل آیند. سارل نیز اثرات غیرخطی تورم بر رشد اقتصادی را بررسی نمود و به شواهدی از شکست ساختاری در نرخ تورم حدود ۸ درصد دست یافت (Galli and Vander Hoeven, 2001).

## اثر مالیات بر رشد اقتصادی

مالیات‌ها، به علت اثری که بر بازده سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و انسانی دارند می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و در نهایت، بر نرخ رشد، تأثیر بگذارند. در خلال قرن بیستم، در اغلب کشورهای توسعه یافته سطح مالیات‌ها به طور چشمگیری افزایش یافته است (مالیات‌ها، از حدود ۵ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی در آغاز قرن گذشته به ۲۰ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی در زمان حاضر، افزایش یافته‌اند). چنین افزایش معناداری در مالیات‌ها سبب طرح پرسش‌هایی در مورد اثر مالیات بر رشد اقتصادی شده است. تا قبل از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ مدل‌های رشد برون‌زا مطرح بودند. نظریه رشد سنتی نئوکلاسیک سولو، کاس و کوپمنز، نرخ رشد بلندمدت اقتصادی را متأثر از نرخ رشد جمعیت و تغییرات تکنولوژیکی می‌دانست. از این رو اثرات سیاست‌های مالیاتی بر رشد در این مدل‌ها قابل بررسی نبود. بنابراین می‌توان گفت که در مدل رشد سولو مالیات‌ها بر نرخ‌های رشد بلندمدت اثری ندارند زیرا رشد بهره‌وری ثابت و غیرمتأثر از سیاست مالیاتی، فرض شده است. در پاسخ به کاستی‌های مدل رشد برون‌زا، رومر، لوکاس، کینگ ربلو و دیگر محققان الگوهایی را طراحی کرده‌اند که در آن‌ها رشد یکنواخت می‌تواند به طور درون‌زا؛ یعنی بدون دخالت هر گونه پیشرفت فنی برون‌زا تحقق یابد، در این الگوها نرخ رشد یکنواخت به پارامترهای تابع مطلوبیت و سیاست مالیاتی بستگی دارد.

اثرگذاری مالیات‌ها بر رشد اقتصادی از طریق سه کانال: اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، اثر بر انباشت عوامل تولید و تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه (R&D) صورت می‌گیرد.

- اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها

در نتیجه به کارگیری ابزار مالیاتی از سوی دولت، بسیاری از بنگاه‌ها در تصمیمات تخصیصی خود ناچار به تجدید نظر خواهند بود و بدین ترتیب با بروز این انحراف در تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، حتماً زیان خالصی در رفاه اجتماعی ایجاد می‌شود. مالیات بر درآمد، بازدهی نهایی سرمایه را کاهش می‌دهد و انگیزه انباشت سرمایه در میان افراد و در نتیجه رشد را متأثر می‌سازد (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳).

- اثر بر انباشت عوامل تولید<sup>۱</sup>

افزایش در مالیات، منجر به کاهش بازدهی پس‌انداز می‌شود و بدین ترتیب انگیزه انباشت سرمایه فیزیکی (K) کاهش می‌یابد. اما تأثیر نهایی این موضوع بر رشد بستگی بدان دارد که سرمایه انسانی (H) تا چه حد تحت تأثیر این مسئله قرار بگیرد. این موضوع را می‌توان در دو حالت مورد بررسی قرار داد:

حالت اول؛ اگر تولید سرمایه انسانی تنها مستلزم وجود سرمایه انسانی باشد:

تحت این شرایط، کاهش در میزان سرمایه فیزیکی به طور کامل از طریق افزایش در میزان سرمایه انسانی قابل جبران است و در نهایت اقتصاد به وضعیت پیش از مالیات دست خواهد یافت. بدین ترتیب تأثیر این افزایش در مالیات بر رشد اقتصادی صفر خواهد بود. به عبارت دیگر:

$$T \uparrow \longrightarrow \downarrow K \longrightarrow \uparrow H \longrightarrow g^0 = 0$$

حالت دوم؛ تولید سرمایه انسانی مستلزم وجود سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی به طور توأمان باشد:

در این شرایط با کاهش سطح سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی قادر نخواهد بود به طور کامل کاهش آن را جبران کند و بدین ترتیب رشد اقتصادی بنابر کاهش سطح سرمایه فیزیکی کاهش خواهد یافت. البته این که سرمایه انسانی تا چه حد بتواند کاهش صورت گرفته را جبران نماید بستگی به شکل تکنولوژی دارد. بدین ترتیب خواهیم داشت (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳):

$$T \uparrow \longrightarrow K \downarrow \longrightarrow \uparrow H \longrightarrow g^0 < 0$$

- تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیتهای R&D

<sup>1</sup>. Factor Accumulation

این مورد بیشتر از طریق معافیت‌های مالیاتی (و یا به عبارتی مخارج مالیاتی) بروز می‌کند. در حقیقت در بسیاری از موارد معافیت‌های مالیاتی در بخش‌های مولد می‌تواند محرک افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها باشد. به طور مثال می‌توان به معافیت‌های مالیاتی در فعالیت‌های R&D اشاره نمود. در این ارتباط اگر معافیت صورت گرفته منجر به ایجاد انگیزه بیشتر در سرمایه‌گذاری در این بخش گردد آن‌گاه در بلندمدت می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر مثبت بگذارد. در مقابل اگر معافیت‌های در نظر گرفته شده صرف اهداف رانت‌جویانه گردد منجر به بروز انحراف در تخصیص صحیح منابع در اقتصاد می‌گردد و بدین ترتیب این چنین مخارج مالیاتی آثار منفی بر رشد بر جای خواهد گذاشت (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳).

### آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه غرب کشور

سطح پایین رشد و توسعه اقتصادی در استان‌های منطقه غرب کشور، سبب بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی فراوانی در این منطقه گشته است. که در این پژوهش به ذکر تعدادی از این آسیب‌ها پرداخته خواهد شد:

نرخ بیکاری یکی از شاخص‌های ارزیابی وضعیت اقتصادی هر منطقه محسوب می‌شود. بیکاری در منطقه غرب کشور به عنوان پدیده‌ای اجتماعی از زمانی کلید خورد که جنگ پایان یافته بود و جوانانی که از تحصیلات عالی و دانشگاهی در دهه ۷۰ فارغ شدند به عنوان نیروی تازه نفس پای به عرصه گذاشتند اما به علت نبود زیرساخت‌های اشتغال در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات نتوانستند وارد بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی شوند. واقعیت غیرقابل انکار این است که، بیکاری از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی این منطقه به شمار می‌رود که رفع کامل این معضل نیاز به عزم جدی و برنامه‌ریزی دقیق و علمی دارد.

بر طبق آمار منتشر شده از مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ از لحاظ نرخ بیکاری با ۱۷,۶ درصد در رتبه دوم کشور و استان کردستان با ۱۳,۳ درصد در رتبه ششم کشور و استان ایلام با ۱۱,۶ درصد در رتبه پانزدهم کشور قرار گرفته‌اند. هم‌چنین مرکز آمار ایران از افزایش نرخ بیکاری در همدان خبر داد. نرخ بیکاری استان همدان از ۷,۷ درصد در سال ۹۳ به ۸,۵ درصد در سال ۹۴ افزایش یافته است. این افزایش درصد بیکاری در استان همدان نشان از تعدیل نیروی کار و البته اضافه شدن جمعیت بیکار متخصص و فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌هاست.

استان کرمانشاه در حالی که از زمین‌های حاصلخیز خوب و آب و هوای چهار فصل برخوردار است، و دارای بیشترین مرز مشترک با کشور عراق می‌باشد و هم‌چنین مسیر زوار عتبات عالیات است و جاذبه‌های گردشگری فراوانی دارد با این همه جزوه بیکارترین استان‌های ایران است. این میزان بیکاری به هیچ عنوان برای مردمی که هشت سال درگیر جنگ بوده‌اند و نزدیک به ده هزار شهید و بیش از بیست هزار جانباز و آزاده را تقدیم اسلام و انقلاب کرده‌اند شایسته نیست. هم‌چنین استان ایلام به عنوان یکی از معدود استان‌های کشور با وجود ثروت‌های بسیار و منابع خداداد طبیعی از جمله نفت و گاز و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی در کنار آب زیاد و جنگل‌های اقتصادی، هم‌چنان در دور باطل توسعه نیافتگی دست و پا می‌زند. استفاده نامناسب از این ثروت‌ها و عدم بهره برداری اقتصادی از زمین‌های کشاورزی و جنگل‌های استان باعث شده است که از این ظرفیت‌های بزرگ اشتغال‌زایی به نفع مقابله با بیکاری جوانان ایلامی به درستی بهره گرفته نشود و همین امر سبب معضلاتی به مراتب بدتر از بیکاری در این استان گشته است. از جمله این‌که استان ایلام در سال ۱۳۹۳ به عنوان جرم خیزترین استان ایران شناخته شده است. جدول بیکاری در استان ایلام اگرچه در دولت‌های مختلف پس از پایان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس فراز و فرودهایی داشته است اما واقعیت این‌که کاریابی و یافتن فرصت شغلی مناسب در این منطقه همواره دغدغه اصلی جامعه به ویژه جوانان جویای کار به شمار می‌رود. در صورتی که توجه و حمایت بیشتر دولت به هریک از این فرصت‌ها می‌تواند ثروت‌های هنگفت و رونق و پویایی اقتصادی بسیاری نصیب استان و کشور کند. به نقل از مرکز آمار ایران، بی‌مهارتی، نبود زیر ساخت‌ها و زمینه‌های اشتغال‌زایی هم‌چون وجود کارخانه‌جات و صنایع و توسعه نیافتگی در شهرها و به صرفه نبودن کشاورزی به دلیل واردات را از جمله دلایل بیکاری در این استان‌ها می‌توان عنوان نمود.

یکی دیگر از معضلات موجود در استان‌های منطقه غرب کشور، آمار بالای میزان خودکشی در این استان‌ها از جمله ایلام، کرمانشاه و لرستان است. در مورد علت بالا بودن میزان خودکشی در استان‌های یاد شده، معتقد هستند که بالا رفتن سطح آگاهی زنان و اطلاع از این‌که چه حقوقی از آنان سلب شده است نقش مهمی بازی می‌کند. در مقابل عدم توانایی آنان برای تغییر



وضع موجود باعث می‌شود که این زنان احساس کنند به بن بست رسیده‌اند و توانایی هیچ کاری را ندارند و به همین دلیل دست به خودکشی می‌زنند. هم چنین موانع قانونی بر سر راه زنان برای حل مشکلاتشان یکی دیگر از علل روی آوردن آنان به خودکشی است. در ایلام خودکشی زنان به پدیده‌ای رایج تبدیل شده است. روانشناسان استان علت خودکشی را افسردگی می‌دانند که البته نمی‌توان منکر این متغیر اساسی و بنیادین شد اما باید گفت افسردگی خود تابعی از متغیرهای محیطی و اجتماعی است. سن خودکشی در استان ایلام به کمتر از ۳۰ سال کاهش یافته است و در برخی از شهرستان‌ها به خصوص (ایوان) وضعیت خودکشی از مرز بحران نیز عبور کرده که در قیاس استانی، وضعیت خوبی در پی نخواهد داشت. بنابراین خودکشی در استان ایلام به یک بحران اجتماعی تبدیل شده که بسیار نگران کننده است.

یکی دیگر از مسائل روانی اجتماعی که از گذشته تا به حال اکثر جوامع با آن مواجه بوده‌اند طلاق و مسائل ناشی از آن بوده است. تردیدی نیست که این مسئله علل روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد. و هم چنین عوارض نامطلوبی در خانواده و اجتماع بر جای می‌گذارد و اگر به فکر شناخت مسائل و پیشگیری و درمان آن نباشیم در آینده‌ای نزدیک جامعه را از جهات مختلف دچار آسیب می‌نماید و تردیدی نیست که شناخت مسئله طلاق و عوارض آن برای خانواده‌ها، مسئولان و برنامه‌ریزان اجتماعی کشور ضرورت دارد. اما میزان طلاق در همه جوامع یکسان نیست در بعضی از جوامع یک روندی عادی و طبیعی دارد و در بعضی از جوامع به عنوان یک مسئله و مشکل اجتماعی نمود عینی پیدا کرده است. به استناد مراکز رسمی و مرکز آمار ایران، علیرغم وضع قوانینی در جهت جلوگیری از فروپاشی خانواده و آموزش مسائل خانواده از طریق نظام آموزشی و رسانه‌های جمعی، در کل کشور طلاق روندی صعودی را طی نموده است. از طرفی بر اساس آمارهای ثبت شده در دفاتر ثبت ازدواج و طلاق در سال ۱۳۹۴، استان کردستان دارای رتبه پنجم و استان کرمانشاه دارای رتبه نهم در طلاق می‌باشند. هم چنین استان همدان نیز همانند برخی دیگر از شهرهای کشور با این معضل اجتماعی به طور جدی دست به گریبان است. به گونه‌ای که بالا بودن آمار طلاق با به صدا در آوردن زنگ خطر برای مسئولان سبب شد تا آن‌ها برای کاهش این ناهنجاری اجتماعی دست به تشکیل مرکزی به نام بنیاد صیانت از خانواده بزنند.

از جمله مشکلات دیگر منطقه غرب کشور، می‌توان به بالا بودن میزان نرخ بی‌سوادی در بعضی از استان‌های آن اشاره نمود. از جمله اینکه استان کردستان دارای رتبه ششم کشوری از نظر نرخ بی‌سوادی می‌باشد. رئیس سازمان نهضت سوادآموزی درباره دلایل بروز بی‌سوادی در این استان اظهار کرد: وضعیت جسمانی، سن، قد و وزن، جنسیت، اضطراب و نگرانی، کم‌سوادی و بی‌سوادی اولیه، تعصبات خانوادگی، کودک طلاق بودن، اعتیاد والدین از جمله دلایل بروز بی‌سوادی در این منطقه است. هم چنین شواهد حاکی از آن است که میزان شاخص امید به زندگی در منطقه مورد بررسی چندان بالا نیست. امید به زندگی که امروزه بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و رتبه‌بندی‌های جهان بر اساس میزان آن انجام می‌شود، شاید در ظاهر معیاری کمی باشد اما آن چه آن را بالا و پایین می‌برد، شاخص‌هایی کیفی مانند میزان سلامت، نشاط، توسعه و کیفیت زندگی ماست. در ایران بر اساس آمارهای سازمان ملل، امید به زندگی کمی در زنان ۷۴ سال و در مردان ۷۲ سال گزارش شده است. که به نقل از مدیر کل اداره ثبت احوال استان کرمانشاه، سرانه امید به زندگی در استان کرمانشاه در سال ۹۴ کمتر از سطح کشوری است. امید به زندگی کاملاً به شرایط اقتصادی و رفاهی آن منطقه مربوط است. هر اندازه وضعیت زندگی یک منطقه بهتر و مناسب‌تر باشد، امید به زندگی از نظر کمی و کیفی هم در زنان و هم در مردان آن منطقه بهبود پیدا می‌کند. امید به زندگی هم در کودکان و هم در بزرگسالان، شاخص سلامت هر منطقه به حساب می‌آید.

### پیشینه پژوهش

ورقائی (۱۳۸۶)، به تعیین اثر نابرابری توزیع درآمد بر رشد اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، تعیین اثر رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد، تعیین اثر متغیرهای کنترل در نابرابری توزیع درآمد و رشد اقتصادی و بررسی صحت فرضیه کوزنتس در این کشورها پرداخت. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نابرابری توزیع درآمدی که با استفاده از ضریب جینی اندازه‌گیری شده است؛ بر رشد اقتصادی اثر معکوس و معناداری دارد. این در حالی است که رشد اقتصادی بر نابرابری توزیع

درآمدی اثری ندارد. هم‌چنین متغیرهای کنترل مانند سرمایه انسانی، رابطه مبادله، زاد و ولد و غیره بر این ارتباط موثر بوده‌اند. برآوردها نیز فرضیه کوزنتس مبنی بر وجود رابطه‌ای U وارون میان نابرابری توزیع درآمدی و رشد اقتصادی را تأیید نکرده‌اند. آقایی (۱۳۸۷)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان «اثرات سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران» با استفاده از روش OLS، نتیجه گرفت که سیاست‌های مالی در کشور (افزایش مالیات و یارانه) باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش رشد اقتصادی شده و افزایش درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی باعث برابری توزیع درآمد و افزایش رشد اقتصادی شده است.

فلاحی، الماسی و آقایی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۲ با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های مالی در کشور (افزایش مالیات و یارانه) باعث بهبود توزیع درآمد و کاهش رشد اقتصادی شده است.

آذربایجانی و مرادپور و نجفی (۱۳۹۰)، به بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر نابرابری و رشد اقتصاد با استفاده از آمارهای سری زمانی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۴ بر اساس آزمون OLS پرداختند. نتایج نشان داد که نرخ رشد مالیات با ضریب جینی و رشد اقتصادی رابطه منفی دارد، به عبارت دیگر افزایش میزان مالیات باعث کند شدن میزان رشد اقتصادی و کاهش ضریب جینی شده است.

ابونوری و زیوری مسعود (۱۳۹۳)، در مقاله خود با عنوان «تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد»، با استفاده از روش OLS و GMM به این نتایج دست یافتند که افزایش درآمدهای مالیاتی رابطه مستقیم و مثبت با رشد اقتصادی دارد و با افزایش درآمدهای مالیاتی ضریب جینی افزایش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد بیشتر می‌شود.

لی و گوردون (۲۰۰۵)، در یک مطالعه بین‌کشوری با عنوان «ساختار مالیات و رشد اقتصادی» برای هفتاد کشور طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۰ در قالب مدل پنل دیتا نتیجه گرفتند کاهش یک درصد مالیات بر درآمد شرکت‌ها منجر به افزایش رشد اقتصادی به میزان یک تا دو درصد می‌شود.

چن (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «کاهش نابرابری منطقه‌ای چین: آیا به بهای کاهش رشد است؟»، نتیجه‌گیری کرد که کاهش در نابرابری درآمدی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را در کوتاه‌مدت کاهش داده اما بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بلندمدت، هیچ اثری نداشته است. هم‌چنین افزایش رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، نابرابری درآمدی را کاهش خواهد داد.

رومر (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان «اثرات تغییرات مالیات بر اقتصاد کلان آمریکا» نتیجه گرفت یک درصد افزایش در مالیات باعث سه درصد کاهش رشد اقتصادی پس از دو سال می‌شود.

آلسینا و آردگنا (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «تغییرات سیاست‌های مالیاتی در کشورهای OECD طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۷۰» نتیجه گرفتند بین افزایش مالیات و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد.

پد، اسپارکس و مک کینلی (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نابرابری درآمدی منطقه‌ای و رشد اقتصادی: یک تحلیل اقتصاد سنجی فضایی از استان‌های فیلیپین»، به این نتیجه رسیدند نابرابری درآمدی بر رشد درآمد سرانه تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد؛ گرچه بزرگی این اثر در مناطق مختلف یکسان نیست. استان‌های فقیر، رشد اقتصادی کندتری نسبت به استان‌های ثروتمند دارند. سرمایه انسانی سبب افزایش رشد درآمد سرانه می‌گردد. هم‌چنین مناطق شهری سریع‌تر از مناطق روستایی رشد می‌کنند.

## برآورد و تخمین مدل

جامعه آماری به کار رفته در این پژوهش، شامل چهار استان کرمانشاه، کردستان، همدان و ایلام که در منطقه غرب کشور واقع شده‌اند، طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸ می‌باشد.

هم‌چنین با توجه به مباحث نظری و مطالعات انجام شده در این زمینه؛ الگوی تجربی پژوهش به صورت زیر معرفی می‌گردد:



$$LGDP_t = F(LGINI_t, LTAX_t, LP1_t)$$

که در آن: LGDP بیانگر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، LGINI بیانگر لگاریتم ضریب جینی، LTAX بیانگر لگاریتم درآمدهای مالیاتی و LP1 بیانگر لگاریتم نرخ تورم می‌باشد.

### آزمون ریشه واحد پانل

آزمون‌های ریشه واحد پانل به منظور بررسی درجه هم‌انباشتگی بین متغیرهای مورد بررسی انجام می‌شوند. در واقع آزمون‌های ریشه واحد پانل به دلیل توانایی در اندازه‌گیری اثرات ویژه مقطعی و بررسی ناهمگنی و مقدار پارامترها به صورت مستقیم، بیشتر مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چات استفاده شده، که نتایج آن در جدول شماره (۱) و (۲) آورده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه، لگاریتم ضریب جینی و لگاریتم درآمدهای مالیاتی در سطح ایستا یا  $I(0)$  می‌باشند. اما متغیر لگاریتم نرخ تورم در تفاضل مرتبه اول ایستا یا  $I(1)$  می‌باشد.

جدول (۱): نتایج آزمون ایستایی در سطح (معنی‌داری در سطح ۰/۰۵)

نام متغیر	Statistic	P-value
LGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه	-۷۱,۴۵۱۸	۰,۰۰۰۰
LGINI: لگاریتم ضریب جینی	-۵,۱۷۲۵۰	۰,۰۰۰۰
LTAX: لگاریتم درآمدهای مالیاتی	-۴,۵۸۰۳۳	۰,۰۰۰۰
LP1: لگاریتم نرخ تورم	۱,۴۴۰۱۷	۰,۹۲۵۱

مآخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

جدول (۲): نتایج آزمون ایستایی در تفاضل مرتبه اول (معنی‌داری در سطح ۰/۰۵)

نام متغیر	Statistic	P-value
D(LP1): لگاریتم نرخ تورم	-۱,۹۴۵۶۳	۰,۰۲۵۸

مآخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

### آزمون هم‌انباشتگی

تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی در پانل با بررسی آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد بررسی شروع می‌شود. اگر متغیرهای پژوهش هم‌انباشته از مرتبه ۱ باشند، آزمون هم‌انباشتگی انجام خواهد شد. اگر آزمون هم‌انباشتگی حاکی از وجود رابطه هم‌انباشتگی باشد، بردار هم‌انباشتگی بلندمدت با استفاده از روش‌های FMOLS و DOLS برآورد می‌گردد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد و اثبات نامانایی متغیر  $LP1$  در سطح، به آزمون هم‌انباشتگی پانل بین متغیرهای تحقیق می‌پردازیم. در این مطالعه از روش هم‌انباشتگی Kao به منظور بررسی وجود یا عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی استفاده شده است. آزمون کاوو بر اساس روش انگل - گرنجر دو مرحله ای است و همگنی اجزای پانل را در انجام آزمون هم‌انباشتگی در نظر می‌گیرد. فرضیه صفر در این آزمون که عبارت است از عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی، با استفاده از آزمون ADF بررسی می‌شود. جدول (۳) نتایج آزمون هم‌انباشتگی کاوو را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده از این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش گرایش به یک رابطه بلندمدت دارند که در مرحله بعد این رابطه بلندمدت برآورد می‌گردد.

## جدول (۳): نتایج آزمون هم‌انباشتگی

Kao Cointegration		
ADF	t-Statistic	Prob
	-۵/۰۸۶۵۵۲	./۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

## آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

پس از انجام آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی؛ لازم است که آزمون‌های تشخیص، برای تعیین نوع مدل برآورد شده انجام شوند.

در برآورد یک مدل که داده‌های آن از نوع ترکیبی است ابتدا باید نوع الگوی برآورد مشخص شود. به عبارت دیگر ابتدا باید بررسی شود که مدل مورد بررسی در کدام طبقه pool یا panel قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر ابتدا باید مشخص کنیم که رابطه رگرسیونی در نمونه مورد بررسی دارای عرض از مبدأهای ناهمگن و شیب همگن است یا این که فرضیه عرض از مبدأهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع (مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. بدین منظور آزمون F مورد استفاده قرار می‌گیرد.

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند (داده‌های تلفیقی) :  $H_0$

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند (داده‌های تابلویی) :  $H_1$

با توجه به نتایج آزمون F لیمر که در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است، فرضیه  $H_1$  مبنی بر پنل بودن داده‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد و فرض  $H_0$  رد می‌شود.

## جدول (۴): نتایج آزمون F لیمر

Effects Test	Statistic	d.f	P-value
Cross-section F	۲۶,۰۷۵۴۱۵	(۳,۱۷)	۰,۰۰۰۰
Cross-section chi-square	۴۱,۳۵۳۰۱۴	۳	۰,۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

حال برای پاسخ به این که آیا تفاوت در عرض از مبدأ واحدهای مقطعی به طور ثابت عمل می‌کند یا این که عملکردهای تصادفی می‌توانند این اختلاف بین واحدها را به طور واضح‌تری بیان کنند، از آزمون هاسمن<sup>۲</sup> استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن، فرضیه  $H_0$  مبنی بر سازگاری برآوردهای اثر تصادفی در مقابل فرضیه  $H_1$  مبنی بر ناسازگاری برآوردهای اثر تصادفی مورد آزمون قرار می‌گیرد. اگر فرضیه  $H_0$  رد شود بایستی جهت برآورد از روش اثرات ثابت استفاده شود. در غیر این صورت برآورد به روش اثرات تصادفی صورت می‌گیرد.

بر اساس نتایج آزمون هاسمن که در جدول شماره ۵ ارائه شده است، فرض  $H_0$  مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می‌شود.

## جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن

Test summary	chi-sq. Statistic	chi-sq. d.f	P-value
Cross-section random	۷۸,۲۲۶۲۴۶	۳	۰,۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

<sup>2</sup> Huasman Test

## نتایج برآورد مدل

با فرض وجود هم‌انباشتگی متغیرهای مورد بررسی، می‌توان به بررسی روابط بلندمدت بین متغیرها پرداخت. اگرچه از روش‌هایی مانند کاوو، پدرونی و وسترلاند جهت آزمون وجود یا عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها استفاده می‌شود، ولی این روش‌ها قادر به تخمین ضرایب بلندمدت و یا کوتاه‌مدت در مدل‌های تصحیح خطای پانل نیستند. در مدل‌های پانل در صورت وجود رابطه هم‌انباشتگی، تخمین‌زن‌های مختلفی جهت تخمین بردارهای هم‌انباشتگی مانند حداقل مربعات معمولی تعدیل شده کامل (FMOLS) و حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) وجود دارد.

روش FMOLS یک روش ناپارامتریک است که همبستگی احتمالی بین اجزای خطای مدل و تفاضل مرتبه اول متغیرهای توضیحی با وجود ضریب ثابت، به منظور تصحیح خودهمبستگی سریالی را مورد محاسبه قرار می‌دهد و تخمین زن OLS را به صورت ناپارامتریکی تصحیح می‌کند. در این مطالعه از تخمین زن FMOLS جهت برآورد رابطه بلندمدت استفاده می‌شود. متغیر LGDP در این پژوهش نشان دهنده میزان تولید ناخالص داخلی سرانه، LGINI1 میزان ضریب جینی، LTAX درآمدهای مالیاتی دولت و LPI میزان تورم است.

جدول (۶): برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرهای موثر بر لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه

روش تخمین: FMOLS				
متغیر وابسته: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه				
متغیرهای مستقل	ضریب	خطای استاندارد	آماره T	احتمال
LGINI1	-۰/۴۲۰۸۸۸	۰/۰۸۵۳۹۰	-۴/۹۲۹۰۰۱	۰/۰۰۰۳
LTAX	۱/۰۴۲۹۹۰	۰/۰۲۸۶۲۷	۳۶/۴۳۴۲۲	۰/۰۰۰۰
LPI	-۰/۰۴۷۲۴۰	۰/۰۲۰۱۱۰	-۲/۳۴۹۱۰۳	۰/۰۳۵۳
$R^2$	۰/۹۱۵۳۸۵			
$\bar{R}^2$	۰/۸۷۶۳۳۳			

مآخذ: یافته‌های تحقیق براساس خروجی نرم افزار Eviews9

جدول ۶ نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، بر اساس معیارهای اعتبار سنجی نظیر آماره  $R^2$  و  $\bar{R}^2$  تعدیل شده، صحت نتایج به دست آمده از برآورد جهت تجزیه و تحلیل و اظهار نظر تأیید می‌گردد. با توجه به این‌که مدل به صورت لگاریتمی برآورد شده است ضرایب به دست آمده نشان دهنده کشش رشد اقتصادی نسبت به هر یک از متغیرهای توضیحی می‌باشد.

بر اساس نتایج این برآورد، ۱ درصد افزایش در میزان ضریب جینی موجب کاهش به میزان ۰/۴۲ درصد در تولید ناخالص داخلی سرانه می‌شود. به عبارتی؛ هر اندازه توزیع درآمد در استان‌های مورد بررسی نابرابرتر باشد؛ تولید ناخالص داخلی سرانه را کاهش خواهد داد، و ما با کاهش رشد اقتصادی مواجه خواهیم شد. از جمله دلایل بروز چنین وضعیتی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- طبقات ثروتمند، به اتلاف بخش عمده‌ای از درآمدها در راه کالاهای لوکس وارداتی، خانه‌های گران قیمت، مسافرت‌های خارج از کشور و سرمایه‌گذاری در زمینه طلا و جواهرات و حساب‌های بانکی خارج از کشور می‌پردازند. به این ترتیب چنین «پس‌انداز» و «سرمایه‌گذاری» به منابع تولید منطقه مورد بررسی اضافه نمی‌کند.
- درآمد کم و سطح نازل زندگی فقرا که در بهداشت، تغذیه و آموزش نامناسب آنان متجلی می‌شود؛ بهره‌وری آنان را کاهش می‌دهد و به این ترتیب به طور مستقیم و غیرمستقیم به رشد کندتر اقتصاد می‌انجامد.
- ثروتمندان تمایل دارند که بیشتر درآمد اضافی خود را صرف خرید کالاهای تجاری وارداتی کنند، در حالی که یک اقتصاد در صورتی می‌تواند مراحل صنعتی شدن و توسعه اقتصادی را طی کند که؛ از بازار داخلی بزرگی (به اندازه کافی) برخوردار باشد. برای چنین اقتصادی، مقیاس تقاضای داخلی باید به میزانی باشد که هزینه راه اندازی پروژه‌های



سرمایه‌گذاری در محصولات صنعتی را پوشش دهد. با توجه به این که گروه درآمدی میانی؛ مصرف کنندگان طبیعی محصولات صنعتی داخل هستند، توزیع درآمد به نفع این گروه شرط لازم صنعتی شدن است.

- توزیع عادلانه درآمد که از طریق کاهش فقر گسترده حاصل می‌شود می‌تواند با عمل کردن به صورت انگیزه نیروی مادی و روانی برای مشارکت گسترده همگان در فرایند توسعه، رشد اقتصادی سالم را موجب شود. از طرف دیگر اختلاف درآمدی وسیع می‌تواند به صورت مانع قوی مادی و روانی در پیشرفت اقتصادی عمل کند. این وضع ممکن است حتی شرایطی به وجود آورد که توده‌های ناامید و افرادی که از لحاظ سیاسی آمادگی طغیان دارند، به ویژه کسانی که تحصیلات قابل توجهی دارند، نهایتاً پیشرفت اقتصادی را نفی کنند.

با توجه به مطالب فوق، امروزه استراتژی رشدی که بر مبنای نابرابری درآمدها باشد در هیچ کجا پذیرفته شده نیست. مایکل تودارو در این باره می‌گوید: این نوع استراتژی رشد در واقعیت چیزی بیش از افسانه‌ای فرصت طلبانه به منظور ابقای طبقات ذینفع و حفظ موجود اقتصادی و سیاسی طبقات ممتاز کشورهای در حال توسعه نیست که اغلب به زیان اکثریت عظیم جمعیت این کشورها است. ایشان ادامه می‌دهد: «نظریه پردازانی که اجتناب ناپذیر بودن فرایند کوزنتس را مطرح می‌کنند، به ویژه رهبران سیاسی در کشورهایی که دارای نابرابری زیاد و فزاینده هستند اغلب به دنبال توجیهات ساده‌ای می‌گردند که در پس آن توجیهات بتوانند قدم‌های بلندپروازانه اقتصادی و یا شکست‌های سیاسی خود را پنهان کنند»

از طرفی بر طبق نتایج مندرج در جدول ۶، تأثیر درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی سرانه در بلندمدت مثبت و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. به طوری که به ازای ۱ درصد تغییر در درآمدهای مالیاتی استان‌های مورد بررسی، ۱،۰۴ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه ایجاد می‌شود. مالیات‌ها می‌توانند از طریق کنترل درآمدها، موجب شوند که تقاضا برای کالاهای مصرفی کاهش یافته و متعادل عرضه شود، یعنی به این صورت تورم ناشی از فشار تقاضا با حربه مالیات‌ها، از بین می‌رود. هم‌چنین یکی دیگر از مهم‌ترین اهداف اخذ مالیات‌ها، کاهش شکاف بین درآمدهای طبقات ثروتمند و فقیر است. اصولاً توسعه به معنی به ارمان آوردن رفاه اجتماعی برای توده‌های مردم است. توده‌های مردم، هنگامی از رفاه اجتماعی و اقتصادی برخوردار خواهند بود که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت گیرد، تا مردم عادی بتوانند نیازهای اقتصادی خود مانند مسکن، غذا، بهداشت و رفاه را تأمین کنند. بنابراین اعمال مالیات‌ها، به از بین بردن نابرابری‌های عمیق و گسترده در توزیع درآمد و ثروت منتهی می‌شود. هم‌چنین در یک کشور در حال توسعه، مالیات‌ها موثرترین وسیله جهت انتقال منابع به بخش دولتی و هدایت آن‌ها به سمت طرح‌های مولد است.

در اغلب کشورهای کم‌تر توسعه یافته، بنگاه‌های خصوصی بسیار کوچک هستند (حجم کوچک اقتصاد بخش خصوصی) و تنها تعداد معدودی از بنگاه‌های بزرگ‌تر اقتصادی درگیر تولید کالاهای مصرفی هستند. دلیل اصلی محدود بودن فعالیت‌های اقتصاد بخش خصوصی در این کشورها، کمبود سرمایه است که از کمی پس‌انداز نشأت می‌گیرد. اگر سرمایه‌ای نیز وجود داشته باشد، به دلیل پایین بودن کارایی سرمایه در بلندمدت، اکثر آن‌ها در کانال‌های غیرمولد و کوتاه‌مدت مانند سفته‌بازی و بورس-بازی قرار می‌گیرند. در این حالت، دولت با اعمال مالیات‌های مستقیم بر املاک، درآمد، زمین، دارایی، طلا، سود، ثروت، ارث و... درآمدهای اضافی را جذب می‌کند و در پروژه‌های مولد سرمایه‌گذاری به جریان می‌اندازد. بنابراین، مالیات‌ها وسیله موثری برای انتقال منابع از کانال‌های غیرمولد به کانال‌های مولد، از طریق سرمایه‌گذاری‌های عمومی است.

هم‌چنین مدل برآوردی فوق؛ نشان دهنده تأثیر منفی تورم بر تولید ناخالص داخلی سرانه، در بلندمدت است. به طوری که به ازای ۱ درصد افزایش در نرخ تورم، تولید ناخالص داخلی سرانه به میزان ۰،۰۴۷ درصد کاهش می‌یابد. از جمله آثار سوء تورم می‌توان به تأثیر آن بر پس‌انداز و نحوه مصرف مردم اشاره کرد. بر اثر کاهش ارزش پول ملی ناشی از افزایش نرخ تورم، تمام افرادی که سرمایه نقدی خود را به صورت پس‌انداز نگهداری می‌کنند متضرر خواهند شد که این امر بر تمایل افراد به پس‌انداز اثر منفی دارد. از طرفی کاهش حجم پس‌انداز، موجب کاهش حجم سرمایه‌گذاری و کاهش رشد اقتصادی در جامعه می‌شود. اثر دیگر تورم، تأثیر آن بر تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی است؛ به طوری که این موضوع می‌تواند عوامل اقتصادی را در تصمیم‌گیری خود دچار بلاتکلیفی کند، زیرا وجود تورم، بنگاه‌های اقتصادی را در زمینه برآورد درآمد و هزینه، با دشواری مواجه می‌کند و این امر می‌تواند آثار نامطلوبی بر رشد اقتصادی جامعه وارد آورد.

## نتیجه گیری و پیشنهادات

در این مطالعه به بررسی تأثیر توزیع نابرابر درآمد، درآمدهای مالیاتی و نرخ تورم بر تولید ناخالص داخلی سرانه، در چهار استان انتخابی در منطقه غرب کشور شامل: استان‌های کرمانشاه، کردستان، همدان و ایلام؛ طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳؛ در قالب مدل حداقل مربعات معمولی تعدیل شده کامل (FMOLS) پرداخته شده است. به همین منظور، روش‌های آزمون ریشه واحد و هم‌انباشتگی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، تأثیر توزیع نابرابر درآمد و نرخ تورم بر تولید ناخالص داخلی سرانه منفی و معنادار می‌باشد. از طرفی، تأثیر درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی سرانه در بلندمدت مثبت و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار است. هم‌چنین از بین متغیرهای معرفی شده در مدل، متغیر درآمدهای مالیاتی بیشترین تأثیر را بر تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. از این رو:

با توجه به نقش و اهمیت درآمدهای مالیاتی در پیشبرد رشد اقتصادی استان‌ها می‌توان موارد زیر را توصیه نمود:

- ایجاد نظام‌های مالیاتی مناسب و کارآمد در استان‌های مورد بررسی در پژوهش، جهت بهبود توزیع درآمد، به گونه‌ای که تمام اقشار جامعه متناسب با توان مالی خود زیر پوشش مالیات قرار گیرند و این اطمینان به مردم داده شود که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد. در این صورت، مردم خودشان را مطیع قانون دانسته و امکان تقلب و فرار از مالیات کاهش می‌یابد.
- گسترش فرهنگ مالیات در سطح استان‌ها و شناختن اهمیت آن در توزیع درآمد و ایجاد عدالت اجتماعی و به وجود آمدن این باور عمومی که درآمدهای مالیاتی در نهایت از راه‌های گوناگون از جمله ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی، احداث مراکز درمانی و کارهای عمرانی و زیربنایی به خود مردم برگشته و از مزایای آن برخوردار خواهند شد.

## منابع

- آذربایجانی، کریم؛ مرادپور، مهدی و نجفی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر نابرابری و رشد اقتصاد. *مجله راهبرد یاس*، شماره ۲۶.
- آقایی، فاطمه (۱۳۸۷). اثرات سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- ابونوری، اسماعیل و خوشکار، آرش (۱۳۸۶). اثر شاخص‌های اقتصادکلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷، ص ۶۵-۹۵.
- ابونوری، عباسعلی و زیوری مسعود، سمیه (۱۳۹۳). تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد (ایران و کشورهای منتخب OECD). *پژوهشنامه مالیات*، شماره بیست و چهارم (مسلسل ۷۲).
- صمدی، علی حسین و آماره، جواد (۱۳۸۹). جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی: اقتصاد ایران (۱۳۶۴-۱۳۸۵). *دوفصلنامه علمی-پژوهشی، جستارهای اقتصادی*، شماره ۱۴، ص ۶۹-۹۲.
- صامتی، مرتضی و طیبی، کامیل و حیدری، سمیه (۱۳۸۷). اثر رشد درآمدهای دولت بر تورم و رشد حقیقی اقتصاد ایران در دوره زمانی (۱۳۳۸-۱۳۸۶). *فصلنامه تخصصی مالیات*، دوره جدید، شماره دوم (مسلسل ۵۰).
- فلاحتی، علی و الماسی، مجتبی و آقایی، فاطمه (۱۳۸۸). تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران. *مجله جستارهای اقتصادی*.
- ورقائی، ا (۱۳۸۶). رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

- Alberto, Alesina and Silvia, Ardagna (2010). Large Changes in Fiscal Policy: Taxes versus Spending. in *Tax Policy and the Economy*. Vol. 24 (Univ. of Chicago Press).
- Chen, Anping (2010). Reducing China's regional disparities: is there a growth cost?; *China Economic Review*. No. 21.



- Christina Romer and David Romer (2010). The Macroeconomic Effects of Tax Changes: Estimates based on a New Measure of Fiscal Shocks. 100 American Economic Review 763-801.
- Galli, Rossana And Rolph Vander Hoeven (2001). Is Inflation Bad for Income Inequality: The Importance of the Initial Rate of Inflation; Employment Paper (29).
- Pede, Valerien O., Adam H. Sparks and Justin D. McNiley (2012). Regional Income Inequality and Economic Growth: A Spatial Econometrics Analysis for Provinces in the Philippines; 56th AARES Annual Conference.
- Young Lee And Roger Gordon (2005). Tax Structure and Economic Growth. 89 *Journal of Public Economics*,18: 1027-1043.

